



سال هشتم، شماره ۲، پیاپی ۲۷ تابستان ۱۴۰۴

www.qparsi.ir

ISSN : 2783-4166

بازتاب آموزه‌های اخلاق اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی

دکتر یوسف کرمی چمه^۱  

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۴ تا ص ۳۳)

 [10.22034/CAAT.2024.474544.1105](https://doi.org/10.22034/CAAT.2024.474544.1105)

چکیده

اخلاق همواره در زندگی بشر مهم و مؤثر بوده است. هر دو حوزه اخلاق فردی و اجتماعی برای نیل انسان به سعادت و صلاح ضروری است. خداوند متعال در قرآن مجید بارها آموزه‌های اخلاقی و نقش آنها در زندگی را به انسان یادآور شده است. نظر به اهمیت مضامین و دیدگاه‌های اخلاقی و تأکید قرآن بر آموزه‌های تعلیمی و تربیتی، اندیشمندان، ادیبان و هنرمندان مسلمان در آثار خویش، به مضامین و دیدگاه‌های مختلف اخلاقی پرداخته‌اند. در طول تاریخ شعر فارسی نیز همواره شاعران به مفاهیم اخلاقی (فردی و اجتماعی) توجه کرده‌اند. این مقاله با هدف بررسی مضامین اخلاقی اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی نوشته شده است. این پژوهش از نظر رویکرد کیفی، و از نظر ماهیت در زمره پژوهش‌های تحلیل محتوا است. داده‌های این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا و با انجام سه نوع کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) احصا گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، آموزه‌های اخلاقی اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی به شکلی برجسته و تأثیرگذار جلوه‌گر شده است. در اشعار وحشی بافقی، تأکید بر احسان، صبر، عدالت، وفای به عهد، هم‌نشینی با نیکان، قناعت، مذمت ریا، ترک تعلق، آزادگی، خاموشی و رازداری، تواضع، پرهیز از حسد، تأمل و عبرت‌گیری و پرهیز از تکبر به عنوان اصول اساسی اخلاق اجتماعی قرآنی مشهود است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، اخلاق، اخلاق اجتماعی، ادبیات تعلیمی، وحشی بافقی.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران. // ykaramicheme@yahoo.com



۱. مقدمه

علم اخلاق با استفاده از بایدها و نبایدهای اخلاقی، به حیات بشری سر و سامان می‌دهد. این علم هدایتگر انسان به خصلت‌های نیک و دورکننده او از صفات ناپسند است. انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازها و خواهش‌های او در ارتباط با دیگران برآورده می‌شود. نظر به همین خصلت، انسان همواره به جامعه توجه داشته است و به‌واقع منشأ پیدایش اخلاق و نظریه‌های اخلاقی را باید در نارضایتی افراد از زندگی فردی خود و نیز نارضایتی ایشان از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند جست. به تعبیر دیگر، مردم اخلاق را وسیله‌ای برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی خود قرار داده‌اند؛ از همین رو، یکی از مهم‌ترین مسائلی که حکیمان و فیلسوفان درباره آن به بحث و گفت‌وگو پرداخته‌اند، اخلاق و فضیلت‌ها و رذایل اخلاقی و همچنین جامعه و اجتماع اخلاقی آرمانی و مطلوب است.

قرآن به‌عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، یکی از مهم‌ترین منابع اخلاقی و تربیتی است. تأکید دین اسلام و حضرت محمد (ص) بر مقوله اخلاق در رویکرد شاعران و نویسندگان به ادبیات تعلیمی تأثیرگذار بود.

مفاهیم اخلاقی از دیرباز در شعر و ادب فارسی رواج داشته و شاعران پارسی‌گوی فراوان از آن بهره برده‌اند. این مطلب با نگاه کلی به میراث ادبی زبان فارسی و بررسی دقیق و علمی آثار، مورد تأیید قرار خواهد گرفت. در شعر وحشی بافقی، اشارات بسیاری به فضایل و رذایل اخلاقی شده و وی در بازتاب مسائل اخلاقی، از قرآن و تعالیم اسلامی تأثیر پذیرفته است. وحشی عمل به هنجارهای اخلاقی را در سعادت‌مندی انسان مفید و مؤثر می‌داند و به اخلاق اجتماعی نگاه ویژه‌ای دارد.

در دنیای امروز و شرایط فعلی جوامع بشری که متأسفانه آموزه‌های اخلاقی در حوزه اجتماع بی‌فروغ است و منافع مادی و شخصی، افراد را نسبت به مقولاتی همچون آزادی، نیکوکاری، تواضع، عدالت و... بی‌توجه کرده است، بررسی میراث فکری و ادبی پیشینیان ضروری است. این میراث می‌تواند انسان را به سوی اخلاق اجتماعی بکشد و جامعه را از آسیب‌های اجتماعی دور کند.

۱.۱. پیشینه

درباره شعر وحشی بافقی پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. برخی از آثاری که به‌گونه‌ای مرتبط با موضوع تحقیق است، عبارت‌اند از:



* احمد رحیم خانلی و امین خوشنویسان (۱۳۹۳)، مقاله‌ای با عنوان «بازتاب قرآن بر شعر وحشی بافقی در بیان داستان‌های پیامبران» نوشتند. چنان‌که مشخص است، آموزه‌های اخلاقی اجتماعی قرآنی در این مقاله بررسی نشده است.

* حجت‌الله اسمعیل‌نیا و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله «جلوه‌های قرآن و حدیث در شعر وحشی بافقی» به صورت موجز و خلاصه، نمونه‌هایی از تأثیر قرآن و احادیث در اشعار وحشی بافقی را بررسی کرده‌اند. اغلب مواردی که نویسندگان مقاله ذکر کرده‌اند، جنبه تلمیحی دارد و آموزه‌های اخلاقی اجتماعی قرآنی در آنها دیده نمی‌شود.

* محبوب طالعی و مهرویه رضیعی (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی مضامین دینی در اشعار وحشی بافقی» توصیفات و ستایش‌های وحشی بافقی را از خداوند و پیامبران و ائمه بررسی کرده‌اند. در این مقاله، تنها «توبه» به عنوان فضیلتی دینی - اخلاقی مورد اشاره قرار گرفته است.

* نجمه طاهری ماه‌زمینی (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی مضامین مشترک خُلد برین وحشی بافقی و مخزن‌الاسرار نظامی» این دو منظومه تعلیمی را با هم مقایسه کرده است. در این دو اثر، مضامین اخلاقی مشترکی نظیر «دعوت به عزلت و گوشه‌نشینی، دنیاستیزی، پرهیز از غرور و تکبر، اهمیت همنشین خوب و ...» وجود دارد. در مقاله مذکور، اخلاقی اجتماعی قرآنی محل بحث و بررسی نبوده است.

* اسحاق طغیانی و علی علیزاده (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های اخلاقی و تربیتی در شعر وحشی بافقی» نوشتند. مقاله یادشده به مباحث تربیتی و برخی آموزه‌های اخلاقی در شعر وحشی بافقی پرداخته اما به مقوله اخلاقی اجتماعی قرآنی آن‌گونه که در مقاله پیش رو توجه شده است، نپرداخته است.

* سید محمد مهدی غلامی بیدک و محمود براتی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مؤلفه‌ها و آموزه‌های دینی در اشعار وحشی بافقی» مواردی همچون معراج پیامبر (ص)، تأثیرات قرآن و احادیث و تعالیم ائمه اطهار (ع)، سیمای پیامبران و امامان، فقه، تحمیدیه، عرفان و عشق عرفانی، اعتقاد به آخرت و بهشت و دوزخ، اعتقاد به قضا و قدر و برخی مطالب اخلاقی نظیر قناعت، امید، شکر و... در شعر وحشی بافقی بررسی کرده‌اند. البته بخش بسیار اندکی از این مقاله به بازتاب نکات اخلاقی در شعر وحشی بافقی اختصاص دارد.

* آذر امیری میرجانی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «تطبیق مضامین اخلاقی و تربیتی در قرآن و شعر در دوران حاکمیت آل بویه و مغولان» با توجه به اوضاع زمان زندگی، مضامین اخلاقی و تربیتی را در شعر شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای بررسی کرده‌اند.



* زهرا نورمحمدی نجف‌آبادی (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث بر کلیات دیوان وحشی بافقی» منتشر کرد. وی در شش بخش اقتباس، الهامی - بنیادی، برآیندسازی، تلمیح، ترجمه و وام‌گیری به بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر شعر وحشی بافقی پرداخته است. چنان‌که مشخص است در این مقاله سخنی از آموزه‌های اخلاق اجتماعی در میان نیست.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش باید گفت آموزه‌های اخلاق اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی در هیچ کدام از پژوهش‌های ذکرشده، محل توجه نبوده است. ضمن آن‌که این پژوهش در روش بررسی نیز نوآوری دارد و با استفاده از کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) به تحلیل محتوای اشعار وحشی بافقی پرداخته است.

۲. روش تحقیق

این پژوهش از نظر رویکرد کیفی، و از نظر ماهیت در زمره پژوهش‌های تحلیل محتوا است. داده‌های این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا و با انجام سه نوع کدگذاری احصا گردید. در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شدند و هر واحد با یک برچسب یا کد خاص مشخص گردید. هدف این مرحله، شناسایی و استخراج مفاهیم اولیه و کلیدی از داده‌ها بود. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری، کدهای احصا شده در مرحله قبل یعنی کدگذاری باز تحلیل و بررسی شدند و روابط بین آنها مشخص گردید. هدف این مرحله، سازماندهی و دسته‌بندی مفاهیم در دسته‌های کلی‌تر و شناسایی الگوها و روابط بین آنها بود. در آخرین مرحله یعنی کدگذاری انتخابی، دسته‌های اصلی و مفاهیم کلیدی مشخص شد. هدف این مرحله، ترکیب و یکپارچه‌سازی تمامی مفاهیم احصاشده برای ارائه یک تصویر کلی و جامع از داده‌ها بود.

۳. مبانی نظری

۳.۱. اخلاق چیست؟

در لغت‌نامه‌ها، خُلق به معنای خوی و عادت و سجیه است. «اخلاق جمع خلق و در لغت به معنی خوی هاست و خلق در لغت دارای معانی زیر است: نهاد، سرشت، خصلت، مزاج، طبیعت، مشرب و سیرت» (دهخدا: ذیل اخلاق). در فرهنگ معاصر عربی - فارسی آذرتاش آذرنوش نیز در ذیل خُلق و خُلُق چنین آمده است: ویژگی ذاتی، حالت طبیعی، خوی، خُلق، نهاد، مزاج، فطرت، جوهره، طبع، سرشت. و اخلاق به خلق و خوی درونی، رفتار، روحیات و... تعریف شده است (آذرنوش، ۱۳۹۱: ذیل خُلق). اخلاق در اصطلاح، علم به فضایل و رذایل و نحوه کسب فضایل و



رد رذایل است. در اصطلاح علمای علم اخلاق «مجموعه صفات و ملکات روحی و نفسانی است که منشأ دور افعال مناسب به آسانی و بدون به کارگیری فکر و اندیشه می‌شود.» (طوسی، ۱۳۶۰: ۶۰).

حکیمان به علوم مختلف توجه بسیاری نموده و تقسیم‌بندی‌های مهمی در این خصوص ارائه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های تاریخ علم، که هنوز هم مورد توجه است، متعلق به ارسطو است. وی علم را به سه دسته علوم نظری، عملی و فنی طبقه‌بندی کرده است. از نظر او، علوم نظری سه شاخه دارد؛ مابعدالطبیعه، ریاضیات و طبیعیات. علوم فنی نیز عبارت‌اند از: شعر، خطابه و جدل و علوم عملی نیز از سه شاخه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن تشکیل شده است. «اخلاق یکی از زمینه‌های شناخت عملی بوده است، واضع این واژه در معنای اتیکی آن ارسطو بوده و به معنای تعلیم کردارهای معین در انسان و پرورش اراده استعداد‌های اخلاقی به کار می‌رفته است» (دروبینتسکی، ۱۳۶۸: ۲۱).

حکمت عملی سه شعبه دارد: شعبه اخلاق، شعبه نظام خانوادگی، شعبه نظام اجتماعی. معمولاً در مورد اخلاق می‌گویند که عبارت است از علم چگونه زیستن یا علم چگونه باید زیستن، یا می‌گویند: اخلاق می‌خواهد به انسان پاسخ بدهد که زندگی نیک برای انسان کدام است و آدمیان چگونه باید عمل کنند (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۹).

ریشه و اساس اخلاق را باید در میل به کمال و نیاز عمیق و شگرف انسان به سوی تعالی جست‌وجو کرد. در حوزه اخلاق تنها اعمال و افعال اختیاری انسان و همچنین رابطه‌ای که این افعال اختیاری با کمال مطلوب انسان دارد، مطرح می‌شود. مسئله اختیار در انجام عمل، مسئولیت را مطرح می‌سازد. «مسئولیت اخلاقی یک ارزش اخلاقی همیشگی است.» (Eshleman, 2009, pp.1).

اخلاقیات را می‌توان در دو دسته اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی قرار داد. در اخلاق فردی، فضایل و رذایلی مطرح می‌شود که مربوط به حیات فردی انسان‌هاست؛ فضایی مانند صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت نفس، و رذایلی نظیر پُرخوری، شتاب‌زدگی و سُبک‌مغزی. در واقع، قائلان به اخلاق فردی، انسان را جدای از رابطه با غیر در نظر می‌گیرند؛ اما شخص همواره در حریم چهاردیواری خصوصی خود نیست و در زندگی اجتماعی از حریم چهاردیواری بیرون می‌آید و در تعامل با دیگران قرار می‌گیرد. اخلاق اجتماعی شامل شاخص‌هایی مانند عدل، احسان، ایثار، انفاق، وفای به عهد، رازداری، حسد و تکبر است.

اخلاق اجتماعی به ارتباط فرد با سایر افراد جامعه می‌پردازد و سرنوشت افراد جامعه را به یکدیگر وابسته دانسته و صلاح و فساد اجتماع را در رفتار اعضای آن جست‌وجو می‌کند. البته باید دانست که اخلاق فردی نیز



تأثیر غیرمستقیم بر مسائل اجتماعی دارد ولی در زندگی اجتماعی، قوانین، مقررات و آداب خاصی، ضرورت می‌یابد که بسیاری از آنها در زندگی فردی مطرح نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۷).

اخلاق به‌عنوان نظامی اجتماعی برای ساماندهی از یک‌سو شبیه قانون و از سوی دیگر شبیه عرف یا آداب است. جامعه برای بقای خود به اخلاق و قانون - که عمل به آن هم خود نوعی اخلاق‌گرایی است - نیاز دارد. «اخلاق یک نهاد اجتماعی زندگی است، ولی نهادی است که خود، راهبری یا استقلال رأی عقلانی را در اعضایش ترویج می‌کند و به تعبیر ماتیو آرنولد از ما می‌خواهد که حاکم بر خویش و در آستانه قانون باشیم» (فرانکنا، ۱۳۸۰: ۲۶).

تقید به قواعد اخلاقی، همیشه در بستر روابط اجتماعی و در چهارچوب روابط با دیگران معنا می‌یابد؛ بنابراین، انسان هم باید به بُعد فردی و هم به بُعد اجتماعی اخلاق توجه کند. دین اسلام نیز به دو بُعد فردی و اجتماعی اخلاق توجه کرده و عمل به آنها را مایهٔ سعادت فرد و صلاح جامعه می‌داند.

۲.۳. ادبیات تعلیمی؛ نسبت شعر و اخلاق

تعلیم، در لغت مصدر باب تفعیل و به معنای آموزش‌دادن است. ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین انواع ادبی است که هدف اصلی آن آموزش است. ادبیات تعلیمی، به آثاری گفته می‌شود که موضوع و محتوای آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و ... با دید تعلیمی و تربیتی است (داد، ۱۳۸۵: ۲۰).

شاعران تعلیم‌گرا در زمرهٔ طرفداران رسالت هنر و تعهد هنرمند قرار می‌گیرند که برای هنر، رسالتی اجتماعی قائل‌اند. (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۰۰) اینان «هنری را متعالی دانسته و ستوده‌اند که در جهت رشد و تعالی بشر باشد که از منظر آنان هنر با اخلاق پیوندی ناگسستنی می‌یابد» (اخگری، ۱۳۸۷: ۳۴). به عقیدهٔ این گروه، اخلاق را باید تعلیم داد و نقش ادبیات و قهرمانان آثار ادبی در این زمینه مهم است. اساساً تعهد یک مفهوم اخلاقی است که ابعادی به گستردگی جامعه می‌تواند داشته باشد.

اما در تفکر اسلامی نیز این مطلب به گونه‌ای مطرح شده است. در قرآن کریم و سیره پیامبر (ص)، ناظر به تفاوت کار شاعران تنها به شاعران شریعت‌پیشه و متعهد روی خوش نشان داده شده است و بقیه هوس‌پیشه و گمراه‌کننده معرفی شده‌اند. «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذُكِّرُوا اللَّهُ كَثِيرًا وَ اٰنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/ آیات ۲۲۴-۲۲۷).



در سرزمین ایران همواره شاعران متعهد وجود داشته‌اند. شعر و ادبیات فارسی، از دیرباز محملی برای ارائه اندیشه‌های تربیتی، اخلاقی و تعلیمی بوده است. شاعرانی مانند ناصر خسرو، سنایی، سعدی، مولوی، نظامی، پروین اعتصامی و... از مشهورترین شاعران در قلمرو شعر تعلیمی هستند.

اخلاق عملی در ادبیات تعلیمی جلوه بسیاری دارد. صاحبان این آثار می‌کوشند مسائل اخلاقی را در قالب شعر و حکایت به مردم بیاموزند. همچنین اینها به گردانندگان قدرت‌های مادی و معنوی که صفاتی چون تکبر، ریا، خشم و... دارند، با پند و اندرز آموزش می‌دهند. سعدی همواره در لباس حکایت، به مردم و حاکم - البته با رعایت احترام - پند می‌دهد. «ادبیات تعلیمی در همه زمان‌ها کوشیده است تا برای قدرتمندان روشن کند که نمونه‌های مورد قبول مردم که بسیار مورد ستایش واقع می‌شدند چه شرایطی داشتند و روش درست حکومت نیز چگونه است» (سیپک، ۱۳۸۹: ۶۴).

۳.۳. تأثیرپذیری شاعران از قرآن

در کلیت شعر فارسی، روح قرآنی حاکم است. واژه‌ها، گزاره‌ها، مضمون‌ها و اشاره‌های قرآنی در شعر فارسی فراوان است. شاعران بسیاری با استفاده آشکار و پنهان از آیات و مفاهیم قرآن، هم شعر خود را جلا داده‌اند و هم اندیشه و معنای مدنظر خویش را پرمایه کرده‌اند. «بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر و سروده، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی و علم‌اندوزی و روشنفکری بود و این خود گونه‌ای افتخار برای گوینده شمرده می‌شد، به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث، به سروده شاعر نیز گونه‌ای حرمت و قداست می‌بخشید و سخن آنها را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر می‌ساخت. این نیز زمینه دیگری بود تا شاعران پارسی‌گوی به قصد تبرک و حرمت یا استناد و استشهاد، و گاه نیز به قصد نشان دادن علم و فضل خویش سروده‌های خود را با قرآن و حدیث آذین بندند.» (راستگو، ۱۳۸۰: ۵ و ۶).

۴. جلوه‌های اخلاق اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی

ادبیات و جامعه با هم یک رابطه «متقابل و متفاهم» دارند (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۴۲). در بحث از رابطه ادبیات و جامعه باید به این دو نکته توجه داشت که ادیب نیز یک انسان است و در اجتماع و میان مردم زندگی می‌کند. نکته دیگر اینکه ادبیات به اعتبار ماده اصلی آن - یعنی زبان - پدیده‌ای اجتماعی است؛ بنابراین، تأثیر خواسته و ناخواسته مقتضیات اجتماعی و اوضاع و احوال زمان در ادبیات اجتناب‌ناپذیر است. شاعران و نویسندگان، مانند همه افراد جامعه محصول شرایط و محیط اجتماعی‌اند.



استناد به اخلاقیات و استدلال‌های اخلاقی به یکی از شگردهایی تبدیل شده است که سراینده با تکیه بر آن می‌تواند صحت و سقم نیت یا خواسته خود را در برابر مخاطب تبیین کند. همان‌طور که هانری دوفوشه کور در کتاب *اخلاقیات* یادآور شده است؛ هدف گفتمان اخلاقی، سخن گفتن از هنجارها، ارزش‌ها و اصولی است که در جامعه پذیرفته شده و یا باید پذیرفته شود (دوفوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۶۷).

خداوند متعال در قرآن مجید بارها آموزه‌های اخلاقی و نقش آنها در زندگی را به انسان یادآور شده است. وحشی به نقش اخلاق در «سامان‌دهی زندگی اجتماعی انسان‌ها کاملاً واقف است» (طغیانی و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۲) و از همین رو به بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی که تأثیرشان در جامعه فراوان است اشاره کرده است.

۴.۱. احسان

احسان و برآوردن حاجات مردم، یکی از صفات نیک است که عمل به آن برای رستگاری جامعه ضروری است. در این زمینه، آیات فراوانی نیز وجود دارد که بر اهمیت و ضرورت احسان و نیکوکاری تأکید می‌کند. از جمله خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ / همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد» (نحل/ ۹۰)

وحشی بافقی در این زمینه توصیه می‌کند که باید به اظهار حاجت اهل نیاز گوش سپرد زیرا تا وقتی کسی به تنگی نیاید چنین سخنی را بر زبان نراند.

بر حرف اهل حاجت گوش قبول بگشا / کاین حرف را نگوید کس تا به جان نیاید

(دیوان، ص ۸۴)

وی معتقد است که انسان نیکوکار از اهل گزند آسیبی نخواهد دید و تمثیلی زیبا در این باره بیان می‌کند:

آنکه گذر بر سر نیکی فکند / کی رسد از اهل گزندش گزند

زر که به مردم همه راحت دهد / ز آتش سوزنده سلامت جهد

(دیوان، ص ۳۳۸)

۴.۲. تواضع و فروتنی

تواضع از موضوعات مهم اخلاقی است که در دین مبین اسلام و تعالیم اخلاقی توجه فراوانی به آن شده است. تواضع را چنین تعریف کرده‌اند: «صفت تواضع ضد کبر است و آن عبارت است از: شکست نفسی که نگذارد آدمی



خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازم آن، کردار و گفتار چندیست که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند و این از شرایف صفات و ملکات است اخبار در فضیلت آن بی‌نهایت است» (نراقی، ۱۳۳۲: ۱۹۳).

خواجه نصیر در کتاب *اخلاق محتشمی* و در ذیل کلام حکما آورده است که «از بزرجمهر پرسیدند که هیچ نعمتی می‌شناسی که بر صاحب آن حسد نبرند و هیچ بلا که بر صاحب آن بلا که بدان مبتلا باشد، رحمت نکنند؟ گفت: آن نعمت تواضع بود و آن بلا تکبر» (طوسی، ۱۳۶۱: ۲۹۱).

در آیات و احادیث فراوانی به تواضع اشاره شده است. خداوند فرموده است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به‌ملايمت پاسخ می‌دهند» (فرقان/۶۳).

بررسی شعر فارسی از این جهت نشان می‌دهد که بیشتر شاعران به فروتنی و تواضع اشاره کرده‌اند. در شعر وحشی بافقی نیز این مسئله شایان توجه است. او تواضع و فروتنی را بر کبر و منیت برتری می‌دهد:

بر صفت خاک ره افتاده باش	خاک ره مردم آزاده باش
خاکی و از خاک نیاید جز این	خاک صفت راه تواضع گزین
(دیوان، ص ۳۳۰)	

وحشی، عزت را در فروتنی و خاکساری می‌داند:

که عزت پیش ما در خاکساری است	به خاک این قدر دادن رمز کاری است
منش برداشتم، این عزتش بس	چه شد گو خاک باش از جمله در پس
(دیوان، ص ۴۹۶)	

۳.۴. پرهیز از تکبر

تکبر و خودبینی به‌عنوان یکی از رذایل اخلاقی همواره در تعالیم اسلامی نکوهش شده است. در کتب اخلاقی درباره آن گفته‌اند: «از صفات خبیثه متعلقه به قوه غضبیه، صفت عجب است و آن عبارت است از اینکه انسان خود را بزرگ شمارد به جهت کمال که در خود بیند، خواه آن کمال را داشته باشد و خواه نداشته باشد و خود همچنان داند که دارد و خواه آن صفتی را که دارد و به آن می‌بالد، فی‌الواقع هم کمال باشد یا نه. بعضی گفته‌اند عجب آن است که صفتی یا نعمتی را که داشته باشد، بزرگ بشمرد و از منعم فراموش کند. از حضرت رسول اکرم (ص) نقل



است که فرمودند: سه چیز است که از جمله مهلکات است، بخل که اطاعت آن را کنی، هوی و هوس که پیروی آن را نمایی و عجب نمودن آدمی به نفس خود» (نراقی، ۱۳۳۲: ۱۶۹).

در قرآن نیز در مذمت عجب و تکبر سخن گفته شده است: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا/ و در [اروی] زمین به نخوت گام برمदार چراکه هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید» (اسراء/۳۷).

در شعر و ادب فارسی نیز همواره بر پرهیز از تکبر و خودبینی تأکید شده است. وحشی به پرهیز از غرور و تکبر سفارش می‌کند:

خواجه که پر گشته ز باد غرور

خم نکند پشت تواضع به زور

گر نه ز بادش قدری کم شود

مَشک پر از باد کجا خم شود

(دیوان، ص ۳۳۱)

وی به عوامل غرور و تکبر نیز اشاره می‌کند. یکی از آنها، پول و ثروت است:

این همه عجب از دو سه دینار چیست

با همه کس نخوت زردار چیست

(دیوان، ص ۳۳۵)

۴.۴. صبر

در کتب اخلاق، صبر را چنین تعریف کرده‌اند: «صبر آن بود که نفس مقاومت کند با هوی تا مطاوعت لذات قبیحه از و صادر نشود» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۱۴). ملا احمد نراقی، صبر را چنین تعریف کرده است: «صبر عبارت است از ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب نگشتن آن در بلایا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید به نحوی که سینه او تنگ نشود و خاطر او پریشان نگردد و گشادگی و طمأنینه‌ای که پیش از وقوع آن واقع است، زوال نپذیرد. پس زبان خود را از شکایت نگاه دارد و اعضای خود را از حرکات ناهنجار، منع کند» (نراقی، ۱۳۳۲: ۵۳۸).

آیات و روایات متعددی درباره این فضیلت اخلاقی وجود دارد. از این موارد مشخص می‌شود که صبر بیشتر در معنی پایداری و استقامت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ/ ای اهل ایمان صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن باشید و از خدا بترسید تا رستگار گردید» (آل عمران/۲۰۰).



در ادبیات فارسی و از جمله در شعر وحشی بافقی بارها به صبر سفارش شده است. البته وی بیشتر در ضمن اشعار تغزلی و عاشقانه و در برابر هجران و جفای معشوق به صبوری سفارش کرده است.

کار رفت از دست وحشی پای بستی کن ز صبر این بنای ناستوار خویش را

(دیوان، ص ۱۳)

وحشی صبر را گنجی می‌داند که البته لشکر غم آن را غارت کرده است:

گنج صبری بیش ازین در دل بقدر خویش بود لشکر غم کرد غارت نقد این گنجینه را

(دیوان، ص ۱۵)

۴.۵. تأمل و عبرت‌گیری

تأمل کردن و عبرت گرفتن از وقایع گذشته و وقایع زندگی دیگران نیز یکی از فضایل اخلاقی به‌شمار می‌رود. از کارآمدترین روش‌های تربیتی که در قرآن و سیره پیشوایان دینی آمده، روش عبرت است. اسلام به‌طور گسترده مسلمانان را به سیر در آفاق و انفس، توأم با تفکر و اندیشه در سرگذشت دیگران فراخوانده است.

قرآن کریم هفت بار کلمه «عبرت» و اعتبار را به کار برده و اهل بصیرت را بر آن ترغیب کرده است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! این‌ها داستان دروغین نبود؛ بلکه وحی آسمانی است، و هماهنگ است با آنچه پیش‌روی او (از کتاب آسمانی پیشین) قرار دارد، و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند» (یوسف/۱۱۱).

موضوع عبرت گرفتن در شعر فارسی جلوه درخشانی یافته است. وحشی بافقی در این باره گفته است:

رشته به انگشت که مارش گزید بست خرد کیش و همین نکته دید

کاین سخن از اهل خرد یاد دار دست مکن باز به سوراخ مار

سفله که تیز است به راه ستیز چون دم خدمت زند از وی گریز

(دیوان، ص ۳۲۸)

در جایی نتیجه تأمل و عبرت را نجات می‌داند:



هر که فرو برد سر به جیب تأمل

کشتی از این بحر بیکرانه برآرد

(دیوان، ص ۹۹)

۴.۶. وفای به عهد

خداوند وفاداری و وفای به عهد را از خصوصیات مؤمنان برشمرده است. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ/ و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند» (نحل/۹۱).

در میراث شعر فارسی نیز همواره بر وفای به عهد و رعایت عهد و پیمان تأکید شده است. در شعر وحشی بافقی نیز بارها به رعایت عهد و پیمان سفارش شده است:

کی اهل دل به کام خود از دوستان برند

تا کارشان به جان نرسد کی ز جان برند

(دیوان، ص ۸۱)

او بر همنشینی با وفاداران تأکید می‌کند:

آنکه نه ثابت‌قدم اندر وفاست

صحبت او مایه چندین جفاست

(دیوان، ص ۳۲۸)

۴.۷. پرهیز از حسد

حسد در لغت به معنی بدخواهی و خواستن زوال نعمت و سعادت دیگری است (قرشی، ۱۳۷۸: ۱۳۱) و در اصطلاح نیز به معنی آرزو کردن زوال و نیستی نعمت کسی که استحقاق آن نعمت را دارد (خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ۴۸۷). بسیاری از خرابی‌ها، تباهی‌ها و مفسد در جهان ریشه در حسادت دارد. قرآن حسادت را عامل نخستین قتلی که در روی کره زمین رخ داده است، معرفی کرده و می‌فرماید: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ/ داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان هنگامی که هر کدام عملی برای تقرب به پروردگار انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری قبول نشد و او گفت به خدا سوگند تو را خواهم کشت (دیگری) گفت: به درستی که خداوند از پرهیزکاران می‌پذیرد» (مائده/ ۲۷).



در شعر فارسی نیز در مذمت و نکوهش حسد، سخنان بسیاری گفته شده است. وحشی فرموده است:

ای ز حسد با همه عالم به جنگ
زیست ز رنج حسد امید زیست
زین عمل بد همه عالم به تنگ
وای به جان تو علاج تو چیست؟

(دیوان، ص ۴۱۲)

ضعف شخصیتی حسود سبب می‌شود تا در جهت اثبات خویش، انگشت بر هنر دیگران بگذارد:

عیب کنی مرد هنر کیش را
زین هنر آن کس که بود هوشمند
تا بنمایی هنر خویش را
بی‌هنری‌های تو داند که چند
آن که تو عیب هنرش می‌کنی
در همه جا نامورش می‌کنی

(دیوان، ص ۴۱۲)

۴.۸. خاموشی و رازداری

خاموشی و سکوت پیشه کردن از دیگر فضایل اخلاقی مورد تأکید تعالیم اسلامی و کتب اخلاقی و عرفانی است. تعبیراتی در قرآن وجود دارد که رازداری و سکوت را مورد تأکید قرار می‌دهد. در آیه ۵ سوره یوسف نیز در رابطه با رازداری آمده است: «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» [یعقوب] گفت ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.»

ملا احمد نراقی در این باره می‌گوید: «بدانکه ضد همه آفات و مفسد زبان، خاموشی است و کسی را خلاصی از آفات زبان جز به آن نیست و بنابراین آن از محاسن بوده و نزد همه عزیز و محترم است و باعث جمعیت خاطر و افکار و موجب دوام هیبت و وقار و فراغت از برای ذکر و عبادت و سلامت در دنیا و آخرت است. از این جهت سید رسل (ص) فرمود: مَنْ صَمِتَ نَجَى، هر که خاموشی را شعار خود ساخت، نجات یافت» (نراقی، ۱۳۳۲: ۳۷۶).

وحشی بافقی نیز در جای‌جای اشعار خویش به این فضیلت پرداخته است:

مهر بر لب باش وحشی این چه دل پردازی است
بیش از این رخصت مده طبع سخن‌پرداز را

(دیوان، ص ۱۲)



وی همچنین به گونه‌ای دیگر بر مفهوم ضرب‌المثل «زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد» تأکید کرده است:

زبان بسیار سر بر باد دادست

زبان سر را عدوی خانه زادست

(دیوان، ص ۴۲۴)

ذیل همین مقوله خاموشی، موضوع رازداری مطرح می‌شود. وحشی بر لزوم رازداری تأکید می‌کند و می‌گوید باید غنچه سان، دل بسته بود و به زاغان نباید اعتماد کرد:

به اعتماد کس ای غنچه راز دل مگشای

که بلبل تو به زاغ و زغن هم آوازست

(دیوان، ص ۲۲)

رازداری یکی از صفاتی است که آزادگان و آزادمردان بدان متصف هستند. چنانکه گفته شده است: صدور الأحرار قبور الأسرار. وحشی بافقی تأکید می‌کند که انسان باید در همه حال و همه جا، رازدار باشد:

راز نخواهی که شود آشکار

لب بگز و باز مگو زینهار

کوه که سنگ است و ندارد بیان

وز بی گفتار ندارد زبان

هیچ مگویش که بیان می‌کند

راز نهران تو عیان می‌کند

(دیوان، ص ۳۳۶)

این بخش از شعر وحشی، یادآور ضرب‌المثل مشهور «دیوار موش داره، موش هم گوش داره» است. همچنین داستان مشهور «شه سکندر» حدیقه سنایی را که آن هم در لزوم رازداری است، تداعی می‌کند. البته بیت سوم شعر وحشی، به مسئله بازگشت و پژواک صدا در کوه نیز اشاره دارد.

۹.۴. عدالت

عدالت را در **فلسفه** «هر چیز در جای خود» معنی کرده‌اند. عدالت نقطه مقابل ظلم و ستم است. پیامبران و حکیمان الهی همواره بر دادگستری تأکید کرده‌اند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد (نحل / ۹۰).

داد و عدالت به‌عنوان مفهومی اجتماعی عبارت است از: **داوری** بر پایه **برابری**. در همین راستا، خداوند تحقق قسط و عدل در جامعه را هدف از بعثت پیامبران الهی می‌شمارد. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ



الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها، کتاب آسمانی و میزان شناسایی حقّ از باطل را نازل کردیم تا مردم، قیام به عدالت کنند (حدید / ۲۵)

مقوله عدالت و دادگستری همواره در طول تاریخ، از آرزوهای بشر بوده است. کتاب‌های سیاست نامه و آداب ملکداری، بر ضرورت عدالت تأکید کرده و این مقوله را متوجه گردانندگان قدرت‌های مادی و حاکمان دانسته‌اند. در شعر فارسی نیز این مسئله مطرح شده است. وحشی نیز به این مسئله و ضرورت وجود آن اشاره کرده است:

خوش کشوری که او علم داد می‌زند ای من گدای کشور او پادشاه کیست

(دیوان، ص ۳۲)

وی در شعر مدحی خویش، ضمن تمجید از عدالت ممدوح به تأثیر عدالت در جامعه اشاره می‌کند:

ای به عدلت عدیل نابوده شهری از عدل و دادت آسوده

ظلم از انصاف تو هزیمت کرد به طریقی که کس ندیدش گرد

(دیوان، ص ۳۶۲)

۴. ۱۰. هم‌نشینی و صحبت با پاکان، نیکان و بلندهمتان

معاشرت و مصاحبت با دیگران اثر مستقیم در کردار و رفتار آدمی دارد؛ بنابراین، هم‌نشینی و مصاحبت با نیکوکاران و معاشرت با نیک‌سرشتان یکی از فضایل اخلاقی مورد سفارش به‌شمار می‌آید که سبب افزونی دانش و بصیرت و دوری از اعمال ناشایست و پرهیز از گمراهی است.

تأثیر هم‌نشینی بر رفتار و کردار آدمی و لزوم صحبت با اهل پاکی و دانش، در جای‌جای متون ادبی و حتی گفتار عادی زبان فارسی مورد تأکید قرار گرفته است. عبارت مشهور «دوستی خاله خرسه» که برگرفته از یکی از حکایات مثنوی است و همچنین ضرب‌المثل مشهور «کبوتر با کبوتر باز با باز» که برگرفته از شعر ناصرخسرو است، از نمونه‌های متعدد مربوط به این مقوله است. وحشی بافقی نیز بر ضرورت دوستی با پاکان و نیکان و پرهیز از دوستی با اهل شر تأکید کرده است. از نظر او، وجود یار وفادار و رفیق همراه ضروری است:

کار گرانی چو فتد پیش کس رفع شود از مدد یار و بس

آنچه به یک دست نشاید ربود چون دو شود دست ربایند زود



(دیوان، ص ۴۰۲)

وحشی از فواید گوشه‌نشینی نیز سخن رانده است:

بیا وحشی که عنقایی گزینیم	وطن در قاف تنهایی گزینیم
چو مه با خور بود نقصان‌پذیر است	می از تنها نشستن شیرگیر است

(دیوان، ص ۳۷۸)

وی همچون بسیاری از شاعران اخلاق‌گرا معتقد است که تنهایی و گوشه‌نشینی بسی بهتر از صحبت با مردمان ناجنس است:

دلا از پای همت بگسل این بند	نشینی در میان دور بلا چند
بیا چون ما کناری زین میان گیر	برو ترک وصال این و آن گیر
از این ناجنس یاران ریایی	بسی بیگانگی به ز آشنایی
نه ای از مردمان دیده بهتر	به کنج خانه ساز و سر فرو بر

(دیوان، ص ۳۵۴)

۴. ۱۱. مذمت ریا و بی‌اعتقادی نسبت به زاهدان ریاکار

ریا یعنی «خوبیستن را به نیکی به خلق نمودن و کاری را برای دیدار کسی کردن» (دهخدا، ذیل ریا). ریا نقطه مقابل «اخلاص» است و در قرآن کریم بارها به آن پرداخته شده است. از جمله در آیه ۲۶۴ سوره بقره که منت گذاردن و آزار دادن و ریا کردن در یک ردیف شمرده شده و همه آنها موجب بطلان و نابودی صدقات (و اعمال نیک) معرفی شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارا می‌است که بر روی آن، خاکی (نشسته) است، و رگیاری به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان (= ریاکاران) نیز از آنچه به‌دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (بقره / ۲۶۴).



وحشی بافقی به ریا و ریاکاران می‌تازد. ابیات بسیار مشهور او که در مخالفت با تظاهر و لزوم صدق باطن است:

موی زرخندان گذرانی ز ناف	لیک به آن موی نشوی موی شکاف
گرچه شود ریش به غایت دراز	ریش درازت نکند نکته‌ساز
پایه از این مایه نگردد بلند	بز هم از این مایه بود بهره‌مند

(دیوان، ص ۳۲۵)

ریا و دوزبانی، فرجامی جز روسیاهی به همراه ندارد:

چو کلک تیره نهادی که می‌شود دو زبان	همیشه رو سیهی پیش مردمان دارد
-------------------------------------	-------------------------------

(دیوان، ص ۱۸۵)

یکی از مبانی اصلی اندیشه حافظ، مبارزه با ریا و ریاکاران است و دیوان او پر است از اشارات و ابیاتی که در آنها ریاکاران سرزنش شده‌اند تا جایی که گفته‌اند: «در حوزه هنرها، هیچ هنرمندی را نمی‌شناسیم که به اندازه او با ریا دشمنی ورزیده باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۳۳). وحشی بافقی همچون حافظ با زاهد و زهد ریایی سخت به مقابله می‌پردازد و با عبادات ریایی که توأم با تظاهر است مخالفت می‌کند. او معتقد است زهد خشک و بی‌روح جان را به لب می‌رساند و مانع انسان در رسیدن به معشوق می‌شود. وحشی حافظانه می‌گوید که به سبو و می تکیه دارد:

زاهد چه کشی این همه بر دوش مصلا	بردار سبوی من و رندانه نگه دار
---------------------------------	--------------------------------

(دیوان، ص ۹۴)

او حق‌شناسی را در عبادات ظاهری و لباس و خرقه پشمینه پوشیدن نمی‌داند بلکه رندی و بی‌باکی را می‌پسندد.

پیش رندان حق‌شناسی در لباس دیگر است	پُر به ما منمای زاهد، خرقه پشمینه را
-------------------------------------	--------------------------------------

(دیوان، ص ۲۱۰)

۴. ۱۲. آزادگی

آزادگی، در مقابل طمع و آزمندی است. در دین اسلام، به این صفت توجه بسیاری شده است. امام حسین (ع) در کربلا و در سخنان خود می‌فرماید: اگر دین ندارید آزادمرد باشید.



انسان متخلق به صفت آزادگی، به صفات پسندیده دیگری نظیر ورع، رضا، بلندهمتی و... نیز آراسته می‌شود؛ بنابراین کسانی که آزاده هستند، زرق و برق دنیا در نظرشان پست و حقیر جلوه می‌کند و چنین افرادی با دل نبستن به دنیا و مافیها، خود را از دام شهوات می‌رهانند و در جرگه مردان الهی و رستگاران درمی‌آیند.

نه در بگذار و نه دیوار این دیر

بسوزان هر چه پیش آید در و غیر

ز ما در کش لباس بت پرستی

هم این را سوز و هم ز نار هستی

(دیوان، ص ۴۹۸)

وحشی بافقی این صفت را در مقابل ردیلت در قید و بند دنیا و مادیات بودن قرار داده است. وی افراد آزاده را به سرو تشبیه می‌کند و در وصف آزادمردان سخن می‌راند. او از مردم می‌خواهد که با آزادگی، چیزی از دونان و لثیمان طلب نکنند.

نان سر خوان لثیمان مخور

زهر خور و سبزی هر خوان مخور

(دیوان، ص ۳۳۴)

۴.۱۳. قناعت

از جمله مباحث و موضوعات اخلاقی بسیار مهم، قناعت و خرسندی است. خواجه نصیر قناعت را چنین تعریف کرده است: «قناعت آن بود که نفس آسان فرا گیرد امور مآکل و مشارب و ملابس و غیر آن، و رضا دهد به آنچه سد خلل کند از هر جنس که اتفاق افتد.» (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۱۴). قناعت فضیلتی است که کسب فضایل دیگر تا حدی بدان بستگی دارد و فقدان آن آدمی را به سوی رذایل اخلاقی می‌کشاند. حضرت امیر (ع) فرموده است: «القناعه مال لا ینفد/ قناعت، سرمایه‌ای است که شکست و نابودی ندارد.» (نهج البلاغه، ص ۱۱۰۳)

قناعت و خرسندی همواره در شعر تعلیمی و عرفانی فارسی مورد توجه بوده است. وحشی قناعت پیشه کردن را مایه آسودگی می‌داند:

فراغت بایدت جا در سر کوی قناعت کن

سر کوی قناعت گیر تا باشی فراغت کن

(دیوان، ص ۱۲۴)

قناعت، فرد را به آزادگی می‌کشاند و از این حیث، تأثیری اجتماعی دارد. وحشی، قانع و بلندهمت است:

به سبزی سر خوان کسی نیارم دست

کنم قناعت و راضی شوم به برگ گیا



(دیوان، ص ۱۵۱)

وی در تبیین قناعت، به پرهیز از حرص و آز دعوت می‌کند. حرص و طمع‌ورزی از دیدگاه دین اسلام، دو خصیصه زشت و نفسانی هستند که مفساد زیادی به بار می‌آورند. امیرالمؤمنین (ع) طمع‌ورزی حرص و ولع داشتن و توقع و افزون‌طلبی بی‌جا را یکی از زشت‌ترین و بدترین کارهای انسان می‌داند و می‌فرماید: «بدترین چیز طمع‌کاری است»

چند نشینی به سر خوان آز
گر نبود نان به گیاهی بساز
آنکه نشد حرص و طمع دور از او
به که خورد لقمه لب گور از او

(دیوان، ص ۴۰۹)

۴.۱۴. ترک تعلق

ترک تعلق از دیگر فضایل اخلاقی به شمار می‌آید. در دین اسلام تأکید زیادی بر این مقوله شده است. این مقوله از جهت معنایی، عکس رذیلت دنیاطلبی و گرایش به مادیات است. فضیلت اخلاقی ترک تعلقات دنیوی یکی از موضوعات مورد علاقه وحشی بافقی است. او پول‌پرستی را مایه غم و غصه می‌داند.

مایل سیم و زر عالم مباش
داغ دل از حسرت درهم مباش

(دیوان، ص ۴۱۰)

وحشی در جای دیگری اشاره می‌کند که سیم و زر دشمن انسان است:

از درمی چند که بودیش نیست
پیش خردمند وجودیش نیست ...

آنکه در اول به سرای سپنج
زیر گل و خاک نهان کرده گنج

کرده اشارت که بر هوشیار
گنج عدوی است به خاکش سپار

زر نه متاعی است بلایی است زر
الحذر ای زر طلبان الحذر

(دیوان، ص ۴۱۰)

یکی از تعلقات، دنیاطلبی است. دنیا دوستی و توجه به مادیات دنیوی از رذایل بسیار ناپسند اخلاقی به شمار می‌رود که در قرآن و تعالیم اسلامی بر پرهیز از آن تأکید شده است. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا» هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است به‌زودی هر که را



خواهیم [انصیبی] از آن می‌دهیم آنگاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد برای او مقرر می‌داریم» (اسراء/۱۸).

در شعر اخلاقی و عرفانی فارسی، دنیا طلبی نفی شده است. وحشی نیز در این باره فرموده است:

گرت دهد به مثل زال چرخ گرده مهر
چو سگ بر آن ندوی کان تو را زیان دارد
بدوز دیده ز مکرش که ریزه سوزن
پی هلاک تو اندر میان آرد

(دیوان، ص ۱۶۱)

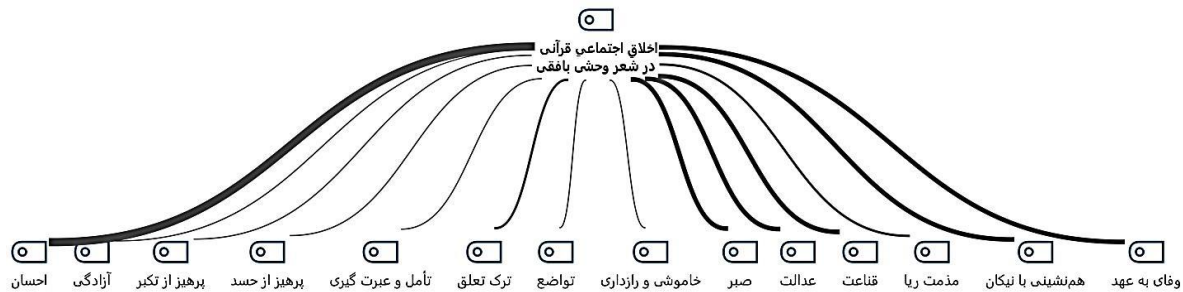
در این دو بیت، دنیا به نانی تشبیه شده و دنیا طلب همچون سگی که به دنبال آن می‌دود و شاعر هشدار داده است که باید مراقب مکر دنیا بود. در جای دیگری، دنیا را مثل مردار می‌داند و به کلام حضرت علی (ع) نظر دارد که فرمود: الدنيا جيفة و طالبها كلاب.

سگ ز پی جیفه رفت در به در و کو به کو
گر به سگی فائلی جیفه دنیا طلب

(دیوان، ص ۱۵۰)

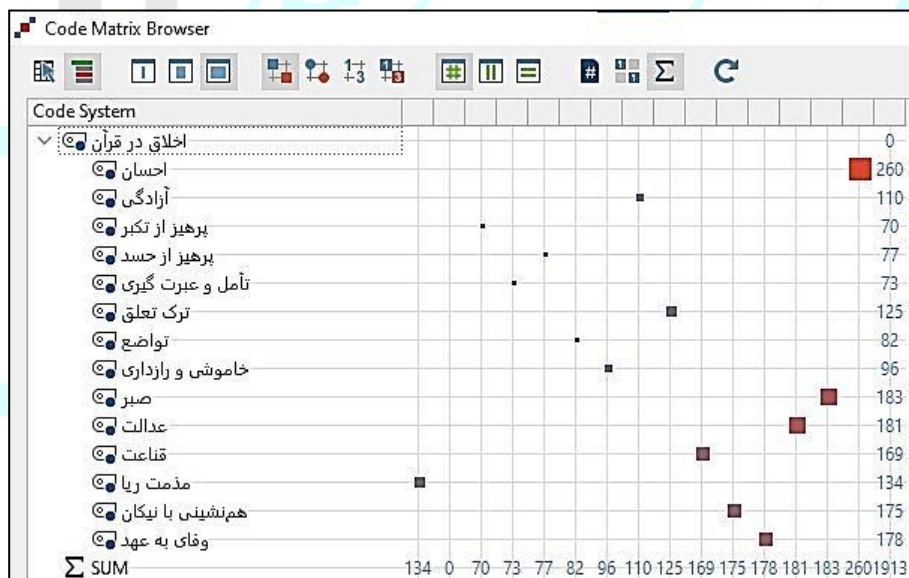
۵. یافته‌ها

مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش کدگذاری سه مرحله‌ای، به تحلیل و بررسی آموزه‌های اخلاقی اجتماعی مطرح در اشعار وحشی بافقی پرداخته است. کدگذاری محتوا به عنوان ابزاری موثر برای استخراج و تحلیل مفاهیم پنهان در اشعار وحشی بافقی به کار گرفته شده است. در این مطالعه، ابتدا به شناسایی و استخراج مفاهیم کلیدی اخلاق اجتماعی قرآنی در اشعار این شاعر پرداختیم، و سپس با تحلیل عمیق تر مفاهیم احصا شده، ارتباطات و الگوهای موجود میان آنها را شناسایی کردیم. در مرحله پایانی با ترکیب نتایج حاصل از دو مرحله قبلی، به شناسایی و تدوین آموزه‌های اخلاقی اجتماعی قرآنی در اشعار وحشی بافقی پرداختیم. کدهای محوری این تحقیق در قالب نمودار زیر (نمودار ۱) به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۱: مضامین اخلاقی اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی

پرسامد^۱ کدها در سندهای بررسی شده از مؤلفه‌های با اهمیتی است که در تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد. در این فرایند داده‌های متنی مورد واکاوی قرار گرفت و الگوها و جهت‌گیری‌های مهم شناسایی شد. اهمیت تکرار هر کد در ارزش‌گذاری گزاره‌های تحقیق به این خاطر است که در شناخت الگوها و گرایش‌های مورد نظر وحشی بافقی مورد استفاده قرار گرفت. با بررسی و تحلیل میزان تکرار کدها مفاهیم پرسامد در گزاره‌های احصاشده شناسایی شد. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش مفاهیم و موضوعات اساسی و با اهمیت از نگاه شاعر مورد نظر را تعیین کرد. نمودار زیر (نمودار ۲) میزان تکرار کدهای تحقیق را در یک نمای کلی به تصویر کشیده است.





نمودار ۲: ماتریس توزیع کدهای تحقیق از نظر بسامد

پوشش محتوایی هر کد در کنار بسامد آن، یکی از مؤلفه‌های مهم در تحلیل داده‌های کیفی است، که می‌تواند در استخراج گزاره‌های با اهمیت مدنظر قرار گیرد. بر همین اساس دو مؤلفه یادشده (بسامد و پوشش محتوایی) در این تحقیق برای استخراج مفاهیم کلیدی مورد استفاده قرار گرفت. این دو مؤلفه برای قضاوت درباره میزان اهتمام وحشی بافقی به اخلاق اجتماعی از اهمیت برخوردار است. در جدول زیر (جدول ۱) مضامین اخلاق اجتماعی با بررسی اشعار وحشی بافقی استخراج و در قالب گزاره‌های مرتبط دسته‌بندی گردید. علاوه بر مقادیر عددی مرتبط با آمار توصیفی، با استفاده از میانگین بسامد و پوشش محتوایی رتبه هر کد در میان دیگر کدها مشخص شد. بر اساس داده‌های جدول زیر می‌توان گفت که وحشی بافقی به میزان زیادی به گزاره‌های اخلاق اجتماعی قرآنی توجه داشته و این اصول را به طور گسترده‌ای در اشعار خود منعکس کرده است. وی با استفاده از زبان شعر و با الهام از مضامین قرآنی، سعی کرده است تا ارزش‌های اخلاقی را به شیوه‌ای زیبا و تأثیرگذار به مخاطبان خود منتقل کند. این ویژگی نشان‌دهنده اهمیت خاص این شاعر به ترویج اصول اخلاقی و اجتماعی در جامعه زمان خود می‌باشد.

جدول ۱: داده‌های توصیفی و رتبه‌بندی کدهای تحقیق

متغیر	رتبه	بسامد	% بسامد	انحراف معیار نمونه	انحراف معیار جامعه	واریانس نمونه	واریانس جامعه	خطای استاندارد
احسان	اول	۲۶۰	۱۳.۵۹	۶۴.۸۶	۶۷.۱۳	۴,۲۰۶.۲۲۲	۴,۵۰۶.۶۶۷	۱۷.۳۳
صبر	دوم	۱۸۳	۹.۵۷	۴۵.۶۵	۴۷.۲۵	۲,۰۸۳.۷۶۰	۲,۲۳۲.۶۰۰	۱۲.۲۰
عدالت	سوم	۱۸۱	۹.۴۶	۴۵.۱۵	۴۶.۷۳	۲,۰۳۸.۴۶۲	۲,۱۸۴.۰۶۷	۱۲.۰۷
وفای به عهد	چهارم	۱۷۸	۹.۳۰	۴۴.۴۰	۴۵.۹۶	۱,۹۷۱.۴۴۹	۲,۱۱۲.۲۶۷	۱۱.۸۷
هم‌نشینی با نیکان	پنجم	۱۷۵	۹.۱۵	۴۳.۶۵	۴۵.۱۹	۱,۹۰۵.۵۵۶	۲,۰۴۱.۶۶۷	۱۱.۶۷
قناعت	ششم	۱۶۹	۸.۸۳	۴۲.۱۶	۴۳.۶۴	۱,۷۷۷.۱۲۹	۱,۹۰۴.۰۶۷	۱۱.۲۷
مذمت ریا	هفتم	۱۳۴	۷	۳۳.۴۳	۳۴.۶۰	۱,۱۱۷.۲۶۲	۱,۱۹۷.۰۶۷	۸.۹۳



۸.۳۳	۱,۰۴۱.۶۶۷	۹۷۲.۲۲	۳۲.۲۸	۳۱.۱۸	۶.۵۳	۱۲۵	هشتم	ترک تعلق
۷.۳۳	۸۰۶.۶۷	۷۵۲.۸۹	۲۸.۴۰	۲۷.۴۴	۵.۷۵	۱۱۰	نهم	آزادگی
۶.۴۰	۶۱۴.۴۰	۵۷۳.۴۴	۲۴.۷۹	۲۳.۹۵	۵.۰۲	۹۶	دهم	خاموشی و رازداری
۵.۴۷	۴۴۸.۲۷	۴۱۸.۳۸	۲۱.۱۷	۲۰.۴۵	۴.۲۹	۸۲	یازدهم	تواضع
۵.۱۳	۳۹۵.۲۷	۳۶۸.۹۲	۱۹.۸۸	۱۹.۲۱	۴.۰۳	۷۷	دوازدهم	پرهیز از حسد
۴.۸۷	۳۵۵.۲۷	۳۳۱.۵۸	۱۸.۸۵	۱۸.۲۱	۳.۸۲	۷۳	سیزدهم	تأمل و عبرت گیری
۴.۶۷	۳۲۶.۶۷	۳۰۴.۸۹	۱۸.۰۷	۱۷.۴۶	۳.۶۶	۷۰	چهاردهم م	پرهیز از تکبر
۱۲۷.۵۴	۲۰,۱۶۶.۶۱۹	۱۸,۸۲۲.۱۶	۴۹۳.۹۴	۴۷۷.۲	۱۰۰	۱۹۱ ۳	-	جمع

همان‌گونه که در جدول فوق (جدول ۱) قابل مشاهده است، گزاره «احسان» با بسامد «۲۶۰» و درصد «۱۳.۵۹» گزاره در جایگاه اول قرار دارد. در ادامه گزاره «صبر» با بسامد «۱۸۳» و درصد «۹.۵۷» در جایگاه «دوم»، گزاره «عدالت» با بسامد «۱۸۱» و درصد «۹.۴۶» در جایگاه «سوم»، گزاره «وفای به عهد» با بسامد «۱۷۸» و درصد «۹.۳۰» در جایگاه «چهارم»، گزاره «همنشینی با نیکان» با بسامد «۱۷۵» و درصد «۹.۱۵» در جایگاه «پنجم»، گزاره «قناعت» با بسامد «۱۶۹» و درصد «۸.۸۳» در جایگاه «ششم»، گزاره «مذمت ریا» با بسامد «۱۳۴» و درصد «۷.۰۰» در جایگاه «هفتم»، گزاره «ترک تعلق» با بسامد «۱۲۵» و درصد «۶.۵۳» در جایگاه «هشتم»، گزاره «آزادگی» با بسامد «۱۱۰» و درصد «۵.۷۵» در جایگاه «نهم»، گزاره «خاموشی و رازداری» با بسامد «۹۶» و درصد «۵.۰۲» در جایگاه «دهم»، گزاره «تواضع» با بسامد «۸۲» و درصد «۴.۲۹» در جایگاه «یازدهم»، گزاره «پرهیز از حسد» با بسامد «۷۷» و درصد «۴.۰۳» در جایگاه «دوازدهم»، گزاره «تأمل و عبرت‌گیری» با بسامد «۷۳» و درصد «۳.۸۲» در جایگاه «سیزدهم» و در نهایت گزاره «پرهیز از تکبر» با بسامد «۷۰» و درصد «۳.۶۶» در جایگاه «چهاردهم» یعنی پایین‌ترین جایگاه قرار گرفت.

مفهوم‌پردازی کدهای تحقیق در یک فرایند علمی و نظام‌مند انجام شد. در این فرایند بخش‌های مختلف از محتوای مرتبط با موضوع در قالب مفاهیم اولیه تفکیک گردید، و در ادامه نظر مکمل با توجه به بخش‌های مرتبط در محتوا تنظیم شد. در مرحله نهایی پس از متن‌کاوی و تبیین مفاهیم مرتبط با هر کد گزاره اصلی استخراج و در

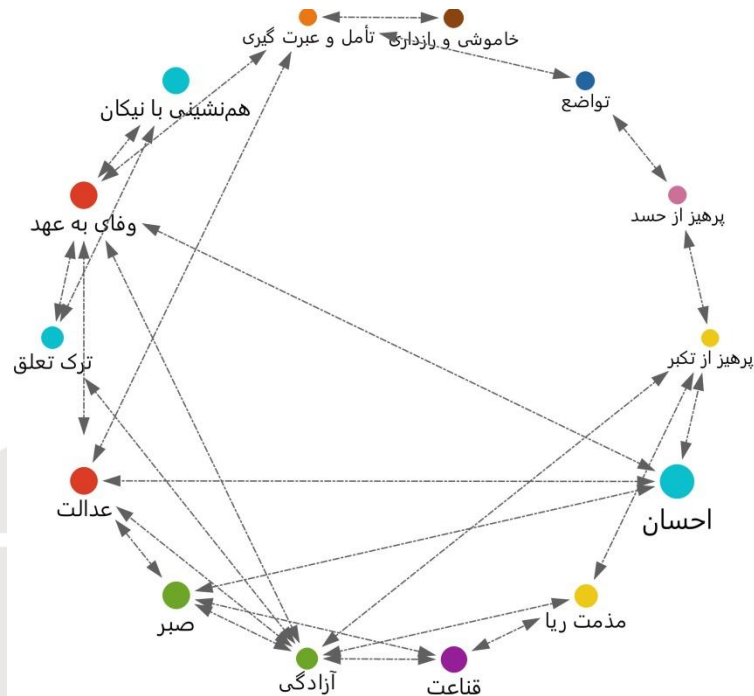


جایگاه خود درج گردید. در این بخش یک نمونه از فرایند شناسایی و مفهوم‌پردازی کدها با موضوع آموزه‌های اخلاق اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی آمده است. شایان ذکر است که فرایند شناسایی و مفهوم‌پردازی کلیه کدهای تحقیق با روش مندرج در جدول زیر (جدول ۲) انجام شد.

جدول ۲: نمونه‌ای از فرایند شناسایی و مفهوم‌پردازی کدهای تحقیق

کد اصلی	نظر مکمل	مفاهیم اولیه	متن منتخب
احسان	امر به نیکوکاری؛ گوش دادن به سخنان اهل حاجت، توجه به مشکلات حاجتمندان؛ تأکید بر رعایت عدالت و انصاف؛ احترام به مقام انسانیت؛ توصیه به همدلی، کمک و رعایت انصاف و عدالت در مواجهه با دیگران به‌ویژه نیازمندان	امر به عدل و احسان؛ توجه به خواسته اهل حاجت	احسان قرآن کریم: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ / هَمَانَا خِدَاوَنَد بَه عَدْل و احسان فرمان می‌دهد» (نحل/ ۹۰) شعر وحشی بافقی: بر حرف اهل حاجت گوش قبول بگشا***کاین حرف را نگوید کس تا به جان نیاید.

در فرایند تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری، نمودار روابط بین کدها ابزاری کاربردی برای نمایش و فهم بهتر ساختار مفهومی و الگوهای موجود در داده‌ها است. در این مقاله، نمودار روابط بین کدهای تحقیق نقش مهمی در تبیین چگونگی ارتباط مفاهیم اخلاقی اجتماعی قرآنی در اشعار وحشی بافقی ایفا می‌کند. این نمودار (نمودار ۳)، نتایج حاصل از مراحل مختلف کدگذاری را به صورت تصویری و سازمان‌یافته ارائه داده است.



نمودار ۳: مدل نهایی - رابطه بین کدهای تحقیق

در نمودار بالا روابط بین کدهای تحقیق به صورت گرافیکی به تصویر کشیده شده است. هر گره (نود) در نمودار نمایانگر یک کد یا مقوله است و خطوط بین گره‌ها نشان‌دهنده نوع و جهت رابطه می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

خداوند متعال در قرآن مجید بارها به اخلاق و فضایل و رذایل اخلاقی اشاره کرده است؛ زیرا اخلاق جزو ضرورت‌های جوامع بشری محسوب می‌شود و بین رستگاری و صلاح جامعه با اخلاقی عمل کردن افراد نسبت مستقیم وجود دارد. تأکید دین اسلام و حضرت محمد (ص) بر مقوله اخلاق در رویکرد شاعران و نویسندگان به ادبیات تعلیمی تأثیرگذار بود. با توجه به اهمیت مسئله در تاریخ شعر و ادب فارسی - چه در شعر تعلیمی، چه در شعر عرفانی، شعر غنایی و حتی در شعر حماسی و مدحی - همواره به رعایت فضایل و پرهیز از رذایل اخلاقی سفارش شده است. وحشی بافقی، شاعری است که در آثار خود اغلب به بیان مطالب تغزلی و عاشقانه پرداخته است اما در تمام آثار او - به تناسب - مضامین اخلاقی وجود دارد. البته وجه تعلیمی منظومه خلد برین بیشتر است. نکته قابل توجه درباره اخلاقیات در شعر وحشی این‌که او بیشتر به فضایل اخلاقی توجه کرده است. هم از نظر تنوع مضمون و هم از نظر تعداد ابیات، فضایل بر رذایل می‌چربد. این مسئله احتمالاً به دیدگاه تربیتی او



مربوط می‌شود که در نتیجه مکتب‌داری و ارتباط با نوآموزان به تمایل بشر به روش تربیتی مثبت‌اندیش و تأثیر بیشتر یادکرد فضایل در پالایش و تصفیه اخلاقی جامعه و مخاطبان پی برده بود. ضمن اینکه وحشی بافقی اغلب رذایل اخلاقی را زمانی مورد اشاره قرار می‌دهد که نسبت به آبنای زمان گله و شکایتی دارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، آموزه‌های اخلاقی اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی به شکلی برجسته و تأثیرگذار جلوه‌گر شده است. این شاعر برجسته با تلفیق هنر ادبی و مفاهیم بنیادین اخلاقی، توانسته است نظر مخاطبان خود را به سمت و سوی ارزش‌های والای انسانی و اجتماعی جلب نماید. وحشی بافقی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم در شعر خود نه تنها به تقویت بن‌مایه‌های اخلاقی اشعار خویش پرداخته، بلکه توانسته است به نوعی از همخوانی و هماهنگی میان آموزه‌های دینی و مضامین شعری خود دست یابد. در اشعار وحشی بافقی، تأکید بر احسان، صبر، عدالت، وفای به عهد، هم‌نشینی با نیکان، قناعت، مذمت ریا، ترک تعلق، آزادگی، خاموشی و رازداری، تواضع، پرهیز از حسد، تأمل و عبرت‌گیری و پرهیز از تکبر به عنوان اصول اساسی اخلاق اجتماعی قرآنی مشهود است. وی با بیان این مفاهیم به زبانی شاعرانه و جذاب، موفق شده است تا تعالیم اخلاقی قرآن را به گونه‌ای هنری و تأثیرگذار به دل و جان مخاطبان القاء نماید. علاوه بر این، وحشی بافقی با نگاهی عمیق و دقیق به مسائل اجتماعی زمانه خود، مضامین قرآنی را به شکل کاربردی و معنادار در قالب آثار ادبی خویش ارائه نموده است.

بررسی آموزه‌های اخلاقی اجتماعی قرآنی در شعر وحشی بافقی نشان می‌دهد که این شاعر با تکیه بر آموزه‌های غنی اسلام و توانایی‌های ادبی خود، نه تنها به ارتقای سطح اخلاقی جامعه خود کمک کرده است، بلکه اشعاری ارزشمند و ماندگار از خود به جای گذاشته است، که مورد توجه و استفاده پژوهشگران حوزه ادب فارسی و مطالعات قرآنی قرار دارد. اشعار وحشی بافقی به عنوان نمادی از پیوند عمیق ادبیات و آموزه‌های دینی، نمونه‌ای بارز از تأثیرگذاری ادبیات بر اخلاق و اجتماع به حساب می‌آید.

پیشنهادها

شعر وحشی بافقی نمونه‌ای ارزشمند از تلفیق آموزه‌های اخلاق اجتماعی با مفاهیم گران‌سنگ قرآن کریم است. بر همین اساس، می‌توان برخی اقدامات را در راستای تقویت و ترویج این میراث ادبی با ارزش به شرح زیر انجام داد:

- بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم در آثار شعری شاعران پارسی‌سُرا؛



- برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی در دانشگاه‌ها با موضوع بررسی و تحلیل آموزه‌های اخلاقی قرآنی در آثار ادبی شاعران پارسی‌گوی؛
- انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در حوزه آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم.

تقدیر و تشکر

از همه کسانی که در تفسیر و تبیین مفاهیم و تحلیل داده‌های این پژوهش به نویسندگی یاری رساندند، به‌ویژه آقای دکتر حیدر سهرابی، صمیمانه قدردانی می‌نمایم.





منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی (بر اساس فرهنگ عربی - فارسی هانس ور)، ویراست دوم، تهران: نی

اخگری، محمد (۱۳۸۷)، تأملی در باب اخلاق و هنر، آینه خیال، شماره ۸، صص ۳۴-۳۶.

بهاروند ایران نیا، زهرا؛ کمالی‌نهاد، علی‌اکبر؛ و شادی‌گو، شهریار (۱۴۰۲)، «نمود آموزش و تربیت قرآنی امانتداری در قابوس‌نامه»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱-۱۱.

خسروی حسینی، سیدغلامرضا (۱۳۷۵)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.

داد، سیما (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، چاپ دوم.

دروینتسکی، الک (۱۳۶۸)، تاریخ علم اخلاق، ترجمه فریدون شایان، تهران: پیشرو.

دوفوشه کور، شارل هانری (۱۳۷۷)، اخلاقیات، ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: نشر دانشگاهی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران.

راستگو، محمد (۱۳۸۰)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، نقد ادبی، جلد اول، تهران: امیرکبیر، سوم.

سیپک، بیبری (۱۳۸۹)، ادبیات فولکلور ایران، ترجمه محمد اخگری، تهران: سروش، سوم.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، موسیقی شعر، تهران: آگه، هشتم.

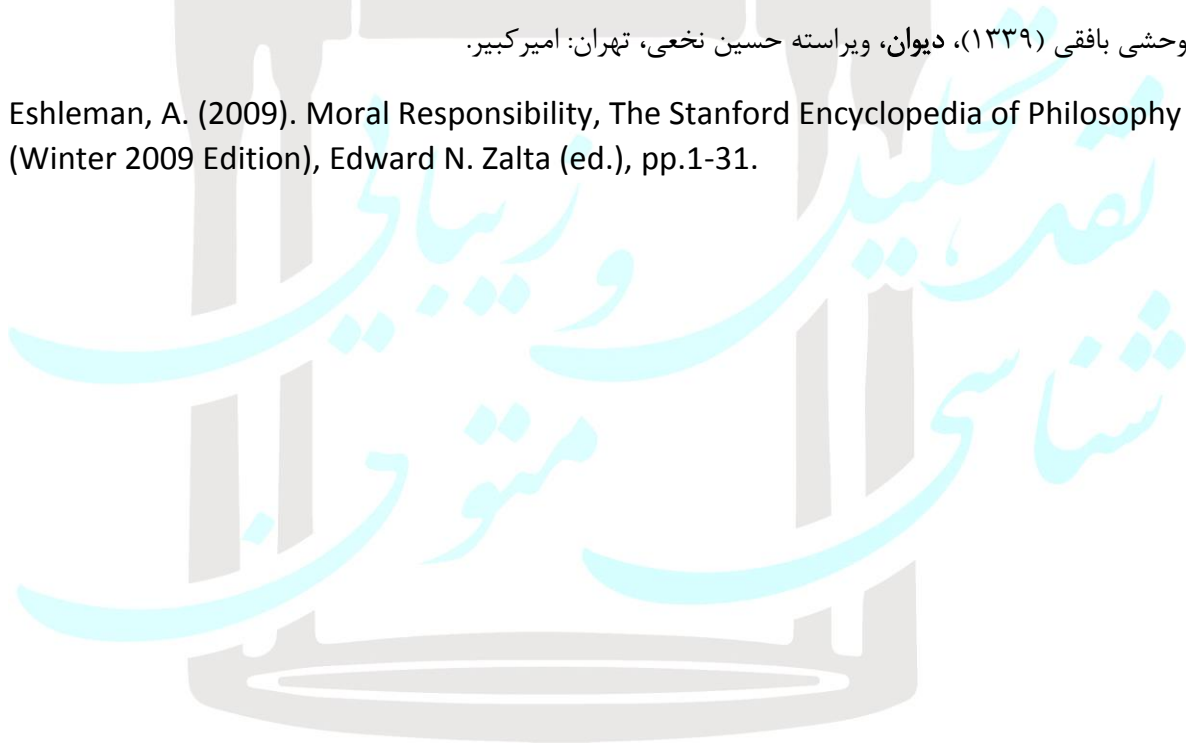
طغیان، اسحاق و علی‌علیزاده (۱۳۹۴)، «دیدگاه‌های اخلاقی و تربیتی در شعر وحشی بافقی»، نشریه علمی - پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، صص ۱-۴۰.

طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۶۰)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.



- طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۶۱)، اخلاق محتشمی، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- فرانکنا، ویلیام. کی (۱۳۸۰)، فلسفه اخلاق، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: حکمت.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷)، المحجبه البيضاء، قم: جماعه المدرسين بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۸)، قاموس قرآن، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا، پانزدهم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۳۲)، معراج السعاده، به کوشش محمدعلی علمی، تهران: چاپخانه حاج محمد.
- وحشی بافقی (۱۳۳۹)، دیوان، ویراسته حسین نخعی، تهران: امیرکبیر.

Eshleman, A. (2009). Moral Responsibility, The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Winter 2009 Edition), Edward N. Zalta (ed.), pp.1-31.





Reflecting the teachings of Quranic social ethics in Vahshi Bafghi's poetry

Dr. Yousef Karami Chemeh¹

Abstract

Morality has always been important and effective in human life. Both areas of individual and social ethics are necessary for a person to achieve happiness and goodness. In the Holy Qur'an, God has repeatedly reminded people of moral teachings and their role in life. Considering the importance of moral themes and viewpoints and the Qur'an's emphasis on educational teachings, Muslim thinkers, writers and artists have addressed various moral themes and viewpoints in their works. Throughout the history of Persian poetry, poets have always paid attention to moral concepts (individual and social). This article is written with the aim of investigating the themes of Quranic social ethics in Bafghi's poem. This research is in the category of content analysis research in terms of qualitative approach and in terms of nature. The data of this article was collected using the content analysis method and three types of coding (open, central and selective). Based on the findings of the present research, the teachings of Quranic social ethics have been prominently and impressively manifested in Vahshi Bafghi's poetry. In Vahshi Bafghi's poems, the emphasis is on benevolence, patience, justice, keeping promises, companionship with good people, contentment, condemning hypocrisy, giving up belonging, freedom, silence and secrecy, humility, avoiding envy, reflection and learning lessons, and avoiding arrogance as the basic principles of Quranic social ethics are evident.

Keywords: Qur'an, ethics, social ethics, educational literature, Vahshi Bafghi.

¹ .Assistant Professor, Department of Language and Literature, Amin Police University, Tehran, Iran.// ykaramicheme@yahoo.com